

به نام خدا

شماره چاپ: ۱۶۰۷

دوره هفتم - سال سوم

شماره ثبت: ۶۳۶

تاریخ چاپ: ۱۳۸۵/۱۰/۱۶

اظهار نظر کارشناسی درباره:
«طرح اصلاح قانون نحوه مجازات اشخاصی که
در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز
می‌نمایند - مصوب ۱۳۷۲ - و الحاق موادی به آن»

فهرست مطالب

۱	مقدمه.....
۲	الف) معرفی اجمالی طرح.....
۳	ب) اهداف و مقاصد طرح.....
۳	ج) نقد و ارزیابی طرح.....
۹	د) نتایج و پیشنهادات.....

کد موضوعی: ۱۹۰

شماره مسلسل: ۸۱۷۶

بهمن ماه ۱۳۸۵

دفاتر: مطالعات حقوقی

مطالعات ارتباطات و فناوری‌های نوین

مطالعات فرهنگی

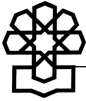


اظهار نظر کارشناسی درباره:

«طرح اصلاح قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور
سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند
- مصوب ۱۳۷۲ - و الحاق موادی به آن»

مقدمه

در بیست و چهارم بهمن ماه سال یکهزار و سیصد و هفتاد و دو قانونی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که طی ۵ ماده و ۱۱ تبصره به جرم‌انگاری جنبه‌های مختلف فعالیت غیرمجاز در امور سمعی و بصری و پیش‌بینی مجازات‌های متنوع برای مرتکبین این فعالیت‌ها می‌پرداخت. مطابق این قانون هرگونه اقدام برای معرفی آثار غیرمجاز به جای آثار مجاز، تضییع حقوق صاحبان آثار مجاز، فعالیت‌های فاقد مجوز، تولید، تکثیر، توزیع و نگهداری آثار مستهجن و مبتذل و استفاده از صغار در فعالیت‌های مزبور جرم و به تناسب قبح عمل مستوجب مجازات‌هایی چون جزای نقدی، حبس و مجازات مقرر برای افساد فی الارض است. قانون مورد بحث صرف‌نظر از ایراداتی که در نحوه تنظیم و معرفی مجازات‌ها یا نوع مجازات مقرر برای اعمال مجرمانه دارد، در نوع خود قانونی به نسبت جامع محسوب می‌شود. عبارات و عناوین کلی و قابل تعمیم این قانون خود به خود می‌تواند هرگونه فعالیت غیرمجاز در امور سمعی و بصری را مستوجب تعقیب و محاکمه و مجازات قلمداد کند. با این حال حساسیت و دغدغه نمایندگان محترم دوره هفتم مجلس شورای اسلامی در زمینه‌های



فرهنگی سبب شده تا با احساس نقص و اعتقاد به عدم شمول قانون به بعضی از اعمال مغایر با هنجارهای فرهنگی و اخلاقی، از طریق تنظیم طرح‌های قانونی درصدد اصلاح و تکمیل قانون فعلی برآیند. در این راستا در سال ۱۳۸۳ طرح اصلاح مواد (۱) و (۲) قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌نمایند مطرح شد. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در آن زمان با استناد به جامعیت قانون و شمول احکام کلی آن به جزئیات موردنظر در طرح نمایندگان تصویب آن را غیرضروری تشخیص داد. اکنون با بروز جنبه‌های دیگری از رفتارهای غیراخلاقی در عرصه تولیدات سمعی و بصری طرح تازه‌ای مطرح شده که ذیلاً به معرفی اجمالی و نقد و ارزیابی آن پرداخته می‌شود.

الف) معرفی اجمالی طرح

رویکرد کلی طراحان به حوزه فعالیت‌های سمعی و بصری، تشدید مجازات رفتارهای مغایر با هنجارهای فرهنگی و اخلاقی و سختگیری بیش از اندازه به مرتکبین چنین رفتارهایی است. در این راستا مجازات‌هایی چون «اعدام» و «محرومیت از حقوق اجتماعی» گاه به‌طور موقت و زمانی به‌صورت دائم و احکامی چون الزام به صدور قرار بازداشت موقت، اعطای حیثیت عمومی به جرائم موضوع طرح، عدم شمول مرور زمان، عدم امکان تعلیق و اعطای آزادی مشروط و اعمال کیفیات مخفف و محکومیت به جبران خسارات سنگینی چون پنج برابر مهرالمثل دختران ایرانی برای برخی از محکومان پیش‌بینی شده است. نیز گفته شده که الزام به تن دادن به آمیزش جنسی از طریق تهدید به افشای آثار مستهجن یا به هر روش دیگر در حکم زنای به عنف است.



همین‌طور مقرر شده که احکام مقرر در طرح اصلاحی از تاریخ تصویب لازم‌الاجراست و نسبت به پرونده‌های فعلی در هر مرحله از مراحل دادرسی که باشد قابل اجراست.

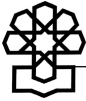
ب) اهداف و مقاصد طرح

با توجه به آنچه از مقدمه توجیهی طرح و استقرای احکام آن برمی‌آید اهداف طراحان محترم را به شرح زیر می‌توان تلخیص نمود:

۱. مقابله با سوءاستفاده از تکنولوژی ارتباطات.
۲. حفظ مفاهیم و ارزش‌هایی چون عفت عمومی، آرامش و کيان خانواده و حفظ عفت دختران و بانوان.
۳. مقابله با پدیده تهدید زنان به افشا و انتشار تصاویر مستهجن و الزام آنان به تمکین به روابط جنسی نامشروع.

ج) نقد و ارزیابی طرح

۱. در طرح پیشنهادی چنان که گذشت «محرومیت از حقوق اجتماعی» به‌طور موقت و در مواردی به‌صورت دائم به‌عنوان یکی از مجازات‌های اصلی مرتکبین جرائم موضوع طرح پیش‌بینی شده است. (ماده (۱) و تبصره «۲» ماده دو طرح). محرومیت از حقوق اجتماعی در تقسیم و ترتیب مجازات‌ها در مرتبه «مجازات‌های تبعی» قرار می‌گیرد. مجازات تبعی چنان‌که از عنوان آن پیداست به تبع مجازات‌های اصلی و



بدون نیاز به ذکر در متن رأی دادگاه خود به خود به محکوم تحمیل می‌شود. حدود و موارد تحمیل مجازات تبعی تابع نظام حقوقی مشخصی است و خارج از ضوابط و مبنای این نظام اعمال آن قابل انتقاد خواهد بود. اجرای این مجازات‌ها در حقوق کیفری ایران همیشه از این نظام مخصوص تبعیت کرده است. قانون مجازات اسلامی که در سال ۱۳۷۰ در ماده (۱۹) اندکی از این نظام عدول کرده بود در سال ۱۳۷۷ با تصویب ماده (۶۲) مکرر مجدداً التزام خود را به ضوابط و معیارهای مطرح در این زمینه اعلام و محرومیت از حقوق اجتماعی را نه نوعی مجازات اصلی بلکه تابعی از برخی مجازات‌های اصلی قلمداد کرد. در ماده (۶۲) مکرر هم حقوق اجتماعی تعریف شد و هم آن دسته از محکومیت‌های قطعی که موجب محرومیت از این حقوق می‌شوند معرفی شدند. نکته قابل توجه آن است که اولاً پیش‌بینی محرومیت از حقوق اجتماعی به‌عنوان مجازات اصلی و ثانیاً محرومیت دائم از حقوق اجتماعی خواه به‌عنوان مجازات اصلی خواه از باب مجازات تبعی خلاف اصول است^۱ و خود دارای توابع و توالی فاسدی چون تکوین شخصیت‌های جامعه ستیز و مجرمیت‌های ثانویه خواهد بود

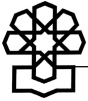
۲. در ماده (۲) طرح گفته شده «تولید، تکثیر، انتشار و توزیع آثار مستهجن از زن ایرانی از مصادیق افساد فی‌الارض است و عوامل اصلی تولید، تکثیر، انتشار و توزیع عمده به مجازات اعدام محکوم می‌شوند». انتقادی که قابل طرح است این است که اولاً اگر ارزش‌هایی چون حفظ «عفت عمومی» و «آرامش خانواده‌ها» موردنظر باشد دیگر

۱. ماده (۲۰) قانون مجازات اسلامی تأکید می‌کند که محرومیت از حقوق اجتماعی باید برای مدت معین باشد. در حال حاضر طولانی‌ترین مدت محرومیت از حقوق اجتماعی برابر تبصره «۲» ماده (۶۲) مکرر قانون مجازات اسلامی هفت سال است که در صورت عدم اجرای حکم اعدام به محکوم تحمیل می‌شود.



محدود کردن رفتارهای غیراخلاقی به تولید و تکثیر و توزیع تصاویر مستهجن از «زن ایرانی» توجیهی نخواهد داشت. عفت عمومی و اخلاق حسنه جامعه ایرانی با تولید و توزیع و نمایش هر نوع صورت قبیحه و تصویر مستهجن جریحه‌دار می‌شود. اعم از این‌که موضوع تصویربرداری زن ایرانی باشد یا زن غیرایرانی. فیلتر کردن سایت‌های اینترنتی غیراخلاقی که عمدتاً خارجی هستند بر همین مبنا قابل توجیه است. از سوی دیگر اگر حمایت از «زن ایرانی» مأخذ تصاویر مستهجن موردنظر باشد باز محدود کردن مسأله وجه معقولی نخواهد داشت. آیا زنان غیرایرانی خصوصاً آنان که در ایران اسلامی اقامت دارند نباید از چنین حمایتی برخوردار باشند. قید احترازی «زن ایرانی» حاکی از جواز تولید و توزیع تصویر مستهجن از زنی است که تابعیت ایرانی ندارد حتی اگر مقیم ایران باشد و حتی اگر از عقیف‌ترین زنان مسلمان باشد. گویی چنین اقدامی نه جرحی به عفت عمومی وارد می‌کند و نه قدحی در حیثیت زن مأخذ تصویر محسوب می‌شود. ثانیاً تولید و توزیع آثار مستهجن از زن ایرانی را مصداق «افساد فی الارض» و مستوجب مجازات «اعدام» دانستن هم از لحاظ موازین شرعی و هم از نظر مقررات بین‌المللی محل تأمل و تردید است. راست است که در بند «الف» ماده (۳) قانون فعلی اشاره‌ای گذرا به مسأله «افساد فی الارض» شده است اما قانونگذار سال ۱۳۷۲ با توجهی که به همین تأمل و تردید داشته بدون ذکر مصادیق و ایجاد الزام برای دادگاه، قضیه را به اجمال برگزار کرده و در واقع تشخیص مصادیق مسأله را به مرجع رسیدگی احاله داده است.

۳. در تبصره «۱» ماده (۲) طرح اغفال و اجبار به تمکین و تجاوز از راه تهدید به افشا و انتشار آثار مستهجن «یا به هر طریق دیگر» زناى به عفت و مستوجب مجازات



اعدام «تحت هر دو عنوان» معرفی شده است. آنچه از تعابیر فقهی و ظاهر عبارت بند «د» ماده (۸۲) قانون مجازات اسلامی مستفاد است این است که مراد از عفت در زنا جبر و قهر و غلبه است یعنی اجبار مادی توأم با توسل به زور که جنبه فیزیکی دارد و نوعاً با مقاومت جسمی و محسوس مجنی علیها همراه است. الزام به تمکین از راه تهدید که جنبه معنوی و غیرمحسوس دارد عرفاً از مصادیق عفت محسوب نمی‌شود. فارق دیگر میان این دو مسأله قصد مجنی علیهاست که در موارد توسل به عفت منتفی و در موارد تهدید و فشارهای روانی، موجود است. در موارد تهدید و الزام به روابط نامشروع جنسی حتی نمی‌توان گفت رضای مجنی علیها و اختیار و آزادی اراده وی به‌طور کلی زایل شده است. در هر حال اعمال قواعد و ضوابط شرعی چون قاعده درأ و بنای حدود بر تخفیف و احتیاط مانع از توسل به قیاس و اخذ به وحدت ملاک و تعمیم نصوص فقه جزائی به موارد مشکوک است.

۴. در تبصره «۴» ماده (۲) ارسال تصاویر مستهجن از طریق پیام‌های مخابراتی تکثیر و توزیع محسوب و مشمول مجازات اعدام اعلام شده است. به نظر نمی‌رسد که تحمیل کیفر اعدام به شخصی که ده پیام مخابراتی مستهجن ارسال نموده سیاستی معقول و منصفانه باشد. مراعات تناسب میان جرم و مجازات و تطبیق آن بر شخصیت مرتکب و اوضاع و احوال ارتکاب جرم از اصول متعارف و میانی معقول سیاست‌های کیفری است. پیش‌بینی مجازات مرگ برای این‌گونه اعمال خلاف موازین و قواعد فقهی نظیر قاعده «ادْفَعُوا الْقَتْلَ عَنِ الْمُسْلِمِينَ مَا اسْتَطَعْتُمْ» و «ادْرَأُوا الْحُدُودَ» و «لزوم عمل به تخفیف و احتیاط در نفوس و دماء» می‌باشد.

۵. حکم تبصره «۵» ماده (۲) که بی‌جهت مکان اخذ تصاویر مستهجن و مبتذل را

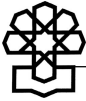


به جاهایی چون مهمانی‌ها، حمام‌ها و استخرها محدود کرده، از اساس زائد است. چرا که آنچه در این تبصره موضوع حکم واقع شده در احکام عام و مقررات مطلق ماده (۳) قانون فعلی می‌گنجد و نیازمند تقریر احکام تازه نیست.

۶. مطابق ماده (۶) طرح جرائم موضوع این قانون واجد حیثیت عمومی بوده و مشمول مرور زمان، تعلیق، کیفیات مخفف و آزادی مشروط نمی‌شوند. این حکم از چند جهت قابل انتقاد است. اولاً تصریح به عمومی بودن این‌گونه جرائم ضرورتی ندارد. جرم علیه عفت عمومی و ارتکاب زنا و امثال آن‌ها که موضوع قانون مورد بحث هستند خود به خود جرم عمومی محسوب می‌شوند. ثانیاً منع شمول مرور زمان، تعلیق، آزادی مشروط و اعمال کیفیات مخفف به جرائم مورد نظر خلاف قواعد و ضوابط کلی حقوق جزاست. پیش‌بینی این‌گونه نهادها در واقع به‌منظور تلطیف اجرای مقررات جزائی و تطبیق آن‌ها بر موارد و مصادیق مختلف‌الجهات است. اهداف و مقاصد مقنن همیشه با تحمیل مجازات‌های سنگین تحصیل نمی‌شود. گاه تلطیف این مجازات‌ها در مقام اجرا بیش‌تر و پیش‌تر به تأمین مقصود مقنن می‌انجامد.

۷. الزام مقام تحقیق به صدور قرار بازداشت موقت حداقل برای دو ماه که در ماده (۷) طرح پیش‌بینی شده خلاف اصول است و حتی می‌توان گفت که با عنایت به مقررات قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ماده (۳۵) غیرضروری است.

۸. در صدر ماده (۸) گفته شده زیان‌دیده از ارتکاب جرائم موضوع این قانون حق مطالبه ضرر و زیان دارد. این حکم هم صرف‌نظر از اشکال عبارتی آن غیرضروری است. حق مطالبه جبران ضرر و زیان قاعده‌ای کلی است. در نظام حقوقی ما ضرر و



زیان ناشی از جرم به حکم مقررات متعدد قابل جبران است. این‌که در ذیل عبارت این ماده گفته شده جبران ضرر و زیان حقی برای محکوم ایجاد نمی‌کند و مانع از اعمال مجازات نمی‌گردد نیز حشوی زائد و حکمی غیرضروری است. این‌که جبران ضرر و زیان مدعی خصوصی مانع مسئولیت کیفری مرتکب نمی‌گردد قاعده‌ای از قواعد حقوق جزاست و نیاز به تصریح مقنن ندارد. اما این‌که گفته شده مرتکب یا هر یک از مرتکبین به مبلغی معادل پنج برابر مهرالمثل رایج دختران ایرانی محکوم می‌گردد از دو جهت قابل انتقاد است. جهت نخست این است که برخلاف مجازات، خسارات ناشی از جرم به تعدد مرتکبان تعدد نمی‌گردد. در این‌جا مقصود جبران زیان‌های وارد بر قربانی جرم است که در صورت وحدت مرتکب توسط وی و در فرض تعدد توسط همه آنان جبران می‌گردد. چنان‌که در موارد قتل غیرعمد توسط قاتلین متعدد نیز دیه مقتول متعدد نمی‌گردد و دیه واحد توسط مرتکبان پرداخت می‌شود. جهت دوم سنگینی و عدم انضباط مسئولیت مدنی مقرر برای مرتکب یا مرتکبان است. مهرالمثل رایج دختران ایرانی ضابطه مشخصی ندارد اگر میانگین آن دویست سکه بهار آزادی هم در نظر گرفته شود پنج برابر آن یک هزار سکه است که ارزش ریالی آن در حال حاضر در حدود یک میلیارد و پانصد هزار ریال است و اگر مرتکبان بنا به فرض سه نفر باشند جمع مبالغ قابل پرداخت چهار میلیارد و پانصد هزار ریال خواهد بود. این اندازه مبالغ مورد حکم نه تناسبی با زیان‌های وارد بر قربانی جرم دارد و نه در عمل قابل پرداخت است. و چه بسا که در اجرای مقرراتی چون ماده (۶۹۶) قانون مجازات اسلامی محکومین درست برخلاف اصل راهبردی قوه قضائیه راهی زندان شوند و خود و دیگران را درگیر آثار سوء زندان نمایند.



۹. ماده (۹) طرح احکام آن را به جرائم گذشته که هنوز منجر به صدور حکم قطعی نشده‌اند عطف نموده است. این شیوه قانونگذاری هم قابل انتقاد و مغایر قواعد حقوق جزا و اصل یکصد و شصت و نهم قانون اساسی است. عطف قوانین نامساعد به گذشته امروزه غیرقابل دفاع است.

د) نتایج و پیشنهادها

با توجه به ملاحظات مطرح در بخش نقد و ارزیابی، تصویب متن طرح به صورت فعلی قابل انتقاد است. عمده اهداف و مقاصد طراحان که در حفظ عفت عمومی، حفظ آرامش خاطر خانواده‌ها، حفظ حرمت دختران و بانوان و مقابله با متجاوزین به نوامیس مردم از طریق اجبار غیرمادی خلاصه می‌شود در قوانین و مقررات موضوعه جزائی خصوصاً در قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند، مصوب ۱۳۷۲ و ماده (۶۴۰) قانون مجازات اسلامی مطرح و مورد حمایت واقع شده است. شدت مجازات مورد نظر طراحان محترم یعنی مجازات افساد فی الارض برای تولید و توزیع آثار مستهجن در بند «الف» ماده (۲) قانون فعلی پیش‌بینی شده و نیاز به قانونگذاری جدید ندارد به خصوص باید توجه داشت که در حال حاضر لایحه جرائم رایانه‌ای و طرح حمایت از حریم خصوصی در مجلس شورای اسلامی در دست بررسی است که آن‌ها هم به سهم خود در نفی رفتارهای غیراخلاقی و مجازات آن‌ها کوشیده‌اند. در عین حال اگر مقصود مخصوص طراحان مقابله با پدیده تهدید افراد به افشا و انتشار تصاویر مستهجن آنان و الزام به روابط نامشروع جنسی باشد چنین مقصودی را به سادگی



می‌توان طی ماده‌ای یا تبصره‌ای به قانون فعلی الحاق نمود. متن آن ماده یا تبصره چنین می‌تواند باشد: «هر کس از طریق تهدید به افشا یا انتشار تصاویر مستهجن یا مبتذل افراد، آنان را وادار به روابط جنسی نامشروع با خود یا دیگری بنماید در غیر موارد مستوجب رجم یا قتل علاوه بر مجازات مقرر برای اصل عمل به ۳۰ تا ۷۴ ضربه شلاق و سه تا پنج سال حبس محکوم می‌شود. چنانچه تهدید به افشا یا انتشار منجر به واقعه نگردد مرتکب به ۳۰ تا ۷۴ ضربه شلاق و یک تا سه سال حبس محکوم می‌گردد». این متن را می‌توان به‌عنوان تبصره «۴» به ماده (۳) قانون فعلی الحاق نمود که در این صورت عنوان طرح «الحاق یک تبصره به ماده (۳) قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌نمایند» خواهد بود.



شماره مسلسل: ۸۱۷۶

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: اظهارنظر کارشناسی درباره: «طرح اصلاح قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند - مصوب ۱۳۷۲ - و الحاق موادی به آن»

Report Title: Expert Opinion on Amendment of Sentencing Those Take Action Illicitly in Hearical-Optical Field

نام دفاتر: مطالعات حقوقی، مطالعات فرهنگی و مطالعات ارتباطات و فناوری‌های نوین
اظهارنظرکنندگان: حسن عالی‌پور (مطالعات ارتباطات و فناوری‌های نوین)، طهمورث قاسمی (مطالعات فرهنگی)

تدوین و نظارت علمی: جلیل امیدی

متقاضی: کمیسیون قضائی و حقوقی

ویراستار: —

واژه‌های کلیدی و معادل انگلیسی آن‌ها:

۱. مجازات (Punishment)

۲. تولیدات سمعی - بصری (hearical - Optical Products)

منابع و مآخذ تهیه گزارش:

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۲. قانون مجازات اسلامی

۳. قانون نحوه مجازات کسانی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌نمایند

تاریخ انتشار: ۱۳۸۵/۱۱/۱